

چهارشنبه سوری

سخنرانی استاد پور داود در شب
ایشین انجمن ایران و آمریکا در پارک
هتل بمناسبت چهارشنبه آخر سال

نزد ایرانیان در باستان، سال دویخش بوده تابستان بزرگ و زمستان بزرگ، تابستان بزرگ هفت ماه است از فروردین تا خود ماه، و زمستان بزرگ پنج ماه، از آبان تا خود اسفند ماه. هر يك از دوازده ماه بی کم و بیش دارای سی ریز است و هر يك روز بنام یکی از ایزدان خوانده شده بنکهبانی وی سپرده شده است. نام هر يك از سی روز که با نام ماه موافق میافتاد جشن میگردیدند. فروردین روز (نوزدهم) در فروردین ماه جشن فروردگان؛ اردیبهشت روز (سوم) در اردیبهشت ماه جشن اردیبهشتگان؛ خرداد روز (ششم) در خرداد ماه جشن خردادگان بود باین ترتیب در سال دوازده جشن داشتند از آنهاست جشنهای معروف مهرگان و بهمنگان یا بهمنجنه و غیره تقسیم ماه بهفته پس از استیلای عرب در ایران رواج یافت از آن سخن خواهیم داشت. برای اینکه سال خورشیدی درست دارای ۳۶۵ روز باشد در پایان هر سال، پس از انجام اسفند ماه پنج روز میافزودند این کیسه را در فارسی بهیزک و پنجه و پنجه و رگام و اندرگام گویند و بهیزک از این پنج روز نام یکی از پنج سرودگاتنها را که از گفتارهای خود و خشور زرنشت است داده، انودگام؛ اشتودگام؛ سبتمدگام؛ وهوخشرگام؛ وهیشنواشتگام نامیدند این پنج روز نزد ایرانیان بخصوصه فرخنده و خجسته بشمار میرفت. چون سال حقیقی دارای سیصد و شصت و پنج روز و يك ربع است لازم میآمده که ربع ها را جمع کرده در هر چهار سال يك روز دیگر بیفزایند گذشته از جشنهایی که در هر ماه بواسطه اتفاق افتادن نام روز با نام ماه داشتند، شش جشن دیگر در طی سال روی میداد که آنها را گاهانبار نامند. جشنهای ششگانه گاهانبار بفاصله های غیر متساوی از همدیگر دور میباشند اینچنین گاهانبار میدبوزرم در چهل و پنجین روز سال؛ گاهانبار پتیه شهیم در صد و هشتادین روز؛ گاهانبار اباسرم در دویست و دهمین روز؛ گاهانبار میدبارم در دویست و نودین روز؛ گاهانبار همسبتم در سیصد و شصت و پنجین روز سال. این جشنهای ششگانه چنانکه از نام آنها وصفانی که از برای آنها در اوستا آورده شده بخوبی میرساند که هر يك از آنها اشاره بفصل و موسم مخصوصی است مانند هنگام شیره گرفتن گیاهان؛ هنگام بریدن علوفه، هنگام خرمن، هنگام بر کشتن کله و رمه از چراگاه تابستانی، هنگام بختگیری چارپایان و غیره. در مزدیسنا هر يك از این گاهانبارها هنگام پیدایش یکی از آفریدگان اهورا مزدا دانسته شده، آنچنانکه در تورا در سفر پیدایش در باب اول و دوم آمده که خداوند در شش روز آسمانها و زمین و روشنایی و آب و گیاه و خورشید و ماه و ستارگان و جانوران و آدمی بیافرید و در روز هفتم که سبات باشد از کار آفرینش بیاسود و آن روز را جشن گرفتند، آفرینش اهورا مزدا هم در طی يك سال در هنگام شش گاهانبار صورت گرفت در نخستین گاهانبار آسمان آفریده شده؛ در دومین آب؛ در سومین زمین؛ در چهارمین گیاه؛ در پنجمین جانوران و در هفتمین گاهانبار مردمان. بنا بر این اهورا مزدا در سیصد و شصت و پنج روز جهان را پدید آورد اما یهو خدای بنی اسرائیل در شش روز باشتابزدگی این کار را انجام داد. جشن فروردین در هنگام ششمین گاهانبار است همان هنگامی که گفتیم همسبتم خوانده شده و هنگامی است که اهورا مزدا مردمان را بیافرید از اینکه این جشن در پیشانی سال نو فروردین خوانده شده و نخستین ماه سال چنین نامزد گردیده، بمناسبت فرود آمدن فرورد های نیاکان است بروی

زمین. فرور یا فرورد در فارسی و فرور در پهلوی و فروشی Fravashi در اوستا و فرورنی در فرس هخامنشی یکی از نیروی های نهانی آدمی است در دین زرتشتی، پیش از اینکه اهورامزدا جهان مادی را بیافریند عالم فروشی را بیافرید. فروشی عبارت است از صورت ذهنی اجسام آنچه در جهان زبرین و زبرین آفریده شده همه از روی صور معنوی آنها ساخته شده است. فروشی در فلسفه افلاطون به idea تعبیر شده است.

عالم معنوی فروشی سه هزار سال پیش از گیتی بوجود آمد پس از سپری شدن این دوره جهان و آنچه در آن است از روی آن صور روحانی پدید آمد. فرور از هنگام بسته شدن نطفه آدمی از برای نگهداری او باز آسمان فرود میآید و پس از گذشتن آدمی با دو نیروی جاودانی دیگر که روان و دننا Dēnâ (= وجدان) خوانند دیگر باره بسوی عالم مینوی گراید اما با خاندان خود ترك علاقه نمیکنند، هر سال در هنگام فروردین بسوی زمین فرود آید. در اوستا آمده که فرورهای پاك پارسای مردمان هنگام ده شبانروز برای سرکشی بازماندگان بروی زمین بسربرند، این ده روز عبارت است از پنجروز آخر اسفندماه و پنج روز کیسه. مراسمی که در جشن فروردین بجای میآورند از برای پذیرائی این میهمانان آسمانی است. اگر فروردها در هنگام اقامت خود در این جهان آشیان و بازماندگان را پاك و پارسا دیدند خشنود شده از درگاه مزدا خوشی آن خاندان را درخواست کنند، اگر نه آزرده و افسرده ببقام جاودانی خود برگردند پس از زیاد آوری این مقدمات معنی آتش افروزی در شب سوری بسیار روشن است و بخوبی دیده میشود که این آتش افروزی هنگامی است که فروردهای نیاگان از برای سرکشی بازماندگان فرود آمده و در روی زمین هستند این است که با شعله ایزدی مقدم آنان را خوش آمد گویند و بازبانه فروغ ایزدی درود میفرستند. آتش افروزی ایرانیان منحصر باین شب نیست در بسیاری از جشنهای دیگر هادمانی خود را با شعله خندان بروز میدهند و پیش آمد های نیک را با گرمی آتش استقبال میکنند. یکی از این آتش افروزی بزرگ پنجاهروز پیش از فروردین در دهم بهمن ماه صد روز پس از گذشتن آغاز آبانماه است که گفتیم آغاز زمستان بزرگ است. آتش افروزی سده مزده ایست از شهری شدن بخش بزرگ فصل سرد و افسرده و نویدی است از نزدیک شدن فصل خوش و خرم و فرا رسیدن هنگام کشت و ورز از اینکه آتش افروزی پایان سال بویژه در شب چهارشنبه قرار داده شده، ناگزیر رسم نسبتاً نو است هر چند که خود این آتش افروزی، آیین کهنسال ایران است زیرا چنانکه گفتیم تقسیم ماه بهفته پس از استیلای تازیان در ایران رواج یافت. پیشینیان شبه یا شبه که منوچهری بسکار برده: بقال نیک و بروز مبارک شبه نید گیرومده روزگار خوبش به بد نیشناختند. بنابراین چهار شبه و آدینه هم در میان نبود. شبه یا شبه از لغات سامی است که از سرزمین عراق کنونی بایران رسیده است شباتو Shabbatu در زبان قوم سامی اکد Akkad که در حدود سه هزار سال پیش از مسیح در شمال بین النهرین شهر یاری داشتند، بمعنی آسایش و تعطیل، نام روز پانزدهم ماه بوده، این لغت از اکدیها داخل زبان بابلی و آشوری شده و از آنان بقوم بنی اسرائیل رسیده در عبری گفتند سبات Sabbat و در عربی شده سبت و در فارسی کنونی شبه همین کلمه است که در زبان فرانسه Samedi و در جنوب آلمان زامستاخ Samstag گردیده است اما واژه سوری: در اوستا سوئیریه Sûirya بمعنی چاشت است، در فارسی بمعنی مهمانی بزرگ و جشن گرفته شده ناصر خسرو گوید

بس لاغر باز گشتم از سور

در سور جهان شدم ولیکن

چهارشنبه سوری

زین سور بسی زمن بتر رفت
اسکندر و اردشیر و شاهپور
گر تو سوی سور میروی رو
روزت خوش باد و سعی مشکور

شك نیست که انداختن آتش افروزی شب سوری با آخرین چهارشنبه سال مأخذ قدیمی ندارد در قدیمترین سندی که از این آتش افروزی پایان سال سخن رفته در تاریخ در بخارا است. ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی که در سال ۲۸۶ - ۳۴۸ هجری میزیست در این کتاب آتش افروزی شب سوری را در روزگار سامانیان چنین یاد کرده: « و چون امیر سدید منصور بن نوح بملك بنشست اندر ماه شوال سال بسیصد و پنجاه بجوی مولیان، فرمود تا آن سراپها را دیگر بار عمارت کردند و هرچه هلاك و ضایع شده بود بهتر از آن بحاصل کرد [ند] آنگاه امیر سدید [بسرای] بنشست، هنوز سال تمام نشده بود که چون شب سوری چنانکه عادت قدیم است آتش عظیم افروختند... »

چنانکه دیده میشود نرشخی در بیش از هزار سال پیش آتش افروزی شب سوری را آیین دیرین خوانده اما نامی از شب چهارشنبه بمیان نیاورده است. آتش افروزی در شب آخرین چهارشنبه سال یاد آوری آتش افروزی گرم (Feu de Carême) است نزد عیسویان کاتولیک، در روزی که چهارشنبه خاکستر (Mercredi des Cendres = Ash-Wednesday) خوانده میشود، پیش از عید فصیح (Paques) چون چهارشنبه (یوم الاربعاء) در اسلام نحس دانسته شده آتش افروزی پایان سال را بشب این روز انداخته اند تا بدینوسیله نحوست آن بر کنار گردد. منوچهری در نحوست چهارشنبه گوید چهارشنبه که روز بلاست بنامه بخور بساتکین می خور تا بعاقبت گذرد در آتش افروزیهای دیگر هم در بسیاری از جاهای ایران باز بجارشنبه بر میخوریم چنانکه در کردستان ناحیه رواندوز از شب چله کوچک، هر شب چهارشنبه را تا خود شب چهارشنبه سوری آتش افروزی میکنند و در آذربایجان در شبستر شب آتش افروزی سده، در هر شب چهارشنبه تا آخرین چهارشنبه سال تکرار میشود.

آتشی که ایرانیان بایستی در پایان سال در هنگام نزول فروردین میافروزند نظر با حدیث و روایات اسلامی که درباره نحوست چهارشنبه آمده بشب آخرین چهارشنبه انداخته شده تا آن سال بیگزند انجام پذیرد و از نحوست در بناه باشند جشن سده که باشکوه تمام در سراسر ایران زمین بزرگ گرفته میشود رفته رفته متروک گردید جز اینکه در کرمان پایدار مانده از جشنهای بزرگ است در این جشن آتش بزرگی میافروزند زرتشتیان و مسلمانان در پیرامون آن شادمانی میکنند همچنین در «خور» در دهکده که مرکز بخش جندق و بیابانک است جشن آتش افروزی سده تا چند سال پیش در میان مسلمانان آنجا معمول بوده و روشن کردن آن آتش از کارهای نیک بشمار میرفت اینک دو سال است زرتشتیان تهران دیگر باره در شب سده آتش کلانی میافروزند اما جشن آتش افروزی شب سوری بر خلاف همه جشنهای آتش افروزی ایران در سراسر ایران تا کنون پایدار است، آتشی که نیاگان ما در چند هزار سال پیش در این سر زمین برافروختند باز در هر سال زبانه میکشد. در این شب در همه دهها و شهرها در کوی و برزن و بازار و بسا روی پشتبامها آتش میافروزند و در پیرامون آن شادی میکنند و از روی آن میجهند و میگویند: زردی من از تو سرخی تو از من. ناگزیر این جمله که بیماری و زرد رویی بآتش میبخشند از روزی متداول شده که احترام و تقدس آتش از یاد ایرانیان رفت چنانکه در جشن سده، در دوره اسلامی بنا باخبار نویسندگان ایرانی و عرب قرون وسطی،

جانوران بقیه و نفت اندوده در میان آتش رها میگردند و همین رسم در کشورهای اسکاندینا و در هنگام آتش افروزی تابستان در ۲۴ ژوئن در شب ولادت یوحنا، تمیید دهنده حضرت مسیح، رایج بود. پیش از این رسم هم زمانی در ایران پیش آمد که از آیین نیاگان بیگانه شده بودند و آزردهن جانداران سودمند را مانند پارینه گناه ندانستند و دیگر مانند پیروان مزدیسنا آتش را روی زمین نماینده فروغ ایزدی نخواندند و احترام آن بر خود واجب نشمردند از آنچه گذشت هقیقه داشتند که این روزها هنگام گذراندن فروردهای نیاگان ماست در میان ما باین مناسبت ترجمه چند فقره از فروردهای پشتراکه در اوستا بستایش فروردها اختصاص دارد یادآور میشویم: فروردهای مردان پارسای کشورهای ایران را میستاییم فروردهای زنان پارسای کشورهای ایران را میستاییم فروردهای پاك مردان پارسای همه کشورهای روی زمین را میستاییم. فروردهای پاك زنان پارسای همه کشورهای روی زمین را میستاییم. بشود فروردهای نیاگان بدیدن ما شتابند، بشود پیاری ما آیند بکنند در هنگامی که در تنگنا هستیم با پشتبانی اهورا مزدا و سروش پاك توانا ما را یاری کنند.

در پایان امیدوارم فروردهای پاك نیاگان ما، رستگاری مرز و بوم کنهسال ما را از درگاه مزدا پژوهش کنند و سال نو را بهمه خوش و خرم گردانند و آتش مهر ایران را مانند آتش شب سوری در دلهای ما شعله ور سازند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی